

پژوهشی درباره روستای میمند

کتابخانه مدرسه لایه لایه

بقلم:

دکتر غلامعلی همایون

دانشیار و مسئول طرح تحقیقاتی میمند

دانشگاه تهران

نخستین آبادیها بطور احتمال در حدود ۱۰۰۰۰ سال پیش بوجود آمد. فرهنگ اقتصاد غذایی این روستاها که از هندوستان تا کناره های مدیترانه گسترده بود، بر اساس استفاده از ماهی و گوش ماهی و شاید جلبکهای دریائی و بندرت کشت سیب زمینی قرار داشت.

پس از چندی نخستین پدیده های کشاورزی نمایان شد و به موازات آن نخستین حیوانات مانند، مرغ، اردک، غاز، خوک و سگ اهلی گردید و درختان میوه دار نیز چون خرما، زیتون، انجیر، سیب و تانگ به وسیله قلمه زدن و هرس

۱ - در آن زمان اولین انقلاب «تمدنی» در زندگی بشر بوقوع پیوست و آن انتقال از دوره «جمع آوری غذا» به دوره «تولید غذا» بود. در همین دوره بود که بشر سکنی گزید. بلوک مسکونی نتوفین Natufin در آسیای غربی نمونه جالبی از اولین روستاهاست احتمالاً اهلی کردن حیوانات و تولید غذا در حدود ۹۰۰۰ پ.م آغاز گردید و مسلماً در حدود ۶۷۰۰ ق.م استخوان بندی روستاها تکمیل گردید. مراجعه شود به ص ۲۴ کتاب:

افزایش پیدا کرده و فور میوه و مواد غذایی باعث تحریک بیشتر مغز و جسم بشر روستای نخستین گردید و وی را با فعالیت بیشتری واداشت. این فعالیت در تمام شئون فرهنگ اقتصادی آن دوره بچشم میخورد. نضج دامداری سبب بوجود آمدن گله‌های حیوانات از قبیل گاو و گوسفند و بالاخره اسب و الاغ شد و نگهداری و بهره برداری از آنها معمول گردید. در کشاورزی همچنین دانه‌های گندم، جو، باقلا، نخود و لوبیا منظمآ نگاهداری و کشت و پرورش یافت.

این فعالیت‌ها همگی به انقلاب کشاورزی منجر شد و در این انقلاب زن نقش اصلی را بعهده داشت زیرا او بود که انواع حیوانات جوان را پرورش میداد. او بود که غالب اوقات حیوانات کوچک را که مادرشان را از دست داده بودند شیر میداد. تخم گیاهان را میکاشت، نهالهای درختان را غرس میکرد و بذر میپاشید. رام کردن حیوانات را فرهنگ میبایست و این فرهنگ ابتدا در طبیعت زن پرورده شد زیرا وی توانست با صمیمیت و محبت و عشق و ریزی خود آنچه لازمه اخلاق و آموزش و پرورش بود ناخود آگاه به اطرافیان خود، خواه بشر، حیوان و گیاه عرضه دارد.

زن همچنین راه بکار بردن بیل و چوب دستی را برای حفر زمین تشخیص داد و از باغچه بوسیله دادن کود و هرس گیاهان هرزه مراقبت نمود و بالاخره زن بود که نخستین سبدها و ظروف را ساخت و نخستین چرخ کوزه گری را اختراع کرد. بدینوسیله زن در مرکز ثقل اقتصاد جدید قرار گرفت و روستا نیز ساخته و پرداخته فکر و دست او شد زیرا روستا مجموعه‌ای بود که در آن جمیع فعالیت‌های فوق تمرکز مییافت.^۲

Barthel Hrouda
Vorderasien I
Mesopotamien, Babylonien, Iran und Anatolien,
München, 1971

۲- مراجعه شود به کتاب

L. Mumford, the city in history London, 1963

زندگی ثابت در دهکده امتیازات فراوانی داشت و بتدریج اجتماعات کوچ نشین به دهکده میگرائیدند و چون در هر قسمت از روستا احساس میگردد در تولید، در خانه در پرورش اطفال و مراقبت از آنها در کوره - تنور - آغل - انبار و در تمام فضاهای داخلی خانه از ایوان تا اندرون و همچنین فضاهای باز روستا زن فرمانروا بود روستا در میان باغچه های سبز و کشتزارها شکل جدیدی از اقامتگاه مشترک انسان و حیوان بود. زیرا بشر قبل از تشکیل روستا و هنگام بوجود آمدن آن بسیار اجتماعی بود به همه پدیده های طبیعت عشق میورزید. باید در نظر داشت که قبل از شهر دهکده و روستا وجود داشت و قبل از روستا چادر، غار، توده های سنگ و فضاهای خالی درختان مسکن انسان بود و قبل از همه اینها تمایلی نسبت به زندگی اجتماعی وجود داشت.

بنابراین روستا اجتماعی اولیه از خانواده های انسان با حیوانات و پرندگان و خانه ها و انبارها و طویله ها بود که در آن کار روزانه براساس دو موضوع انجام میگرفت: تغذیه و تولیدنسل. اهمیت امور جنسی در روستا - های اولیه حتی در ایجاد فضاهای ساختمانی آنها نیز مؤثر بوده است.

نظری به روستاهای کنونی این مطلب را آشکار میدارد که از زندگی روستاهای دوران نخستین تا کنون تغییرات چندانی حاصل نگردیده است. بر تعداد حیواناتی که بشر در روستای آن دوره رام میکرد و همچنین به بذرو دانه های حبوبات وی چندان چیز مهمی افزوده نشده است و آنچه که در جهت خانه سازی و فضاهای داخلی آن نیز تغییر نموده آن چنان ناچیز است که بگفتن نمی آید.

اگر تغییراتی در جهت موتوریزه کردن و اصلاح فرهنگ روستائیان انجام شده است نباید بحساب روستا گذارده شود زیرا این متعلقات فرهنگ شهری است که بروستا وارد گشته است. در حقیقت شکل و طبیعت روستا از آغاز بوجود آمدنش تا بحال چندان تغییری نکرده است و فرهنگ نامبرده

که زن محور کوشش و فعالیت اصلی آن بشمار میرفت بهمان صورت اصلی بدوران ما رسیده است .

با در نظر داشتن مطالبی که گذشت باید بدین نکته توجه کرد که روستاها نیز برای خود خصیصه‌هایی دارند که توسعه و آبادیشان بدون شناسائی دقیق و علمی میسر نیست .

روستای میمند (تصاویر ۶ تا ۹) از استثنائاتی است که در مورد آن فقط شناخت مطالب کلی هر روستا و خصیصه‌های معمولی هر دهکده کافی نیست بلکه بمناسبت موقعیت بی نظیر معماریش مسائلی کاملاً تخصصی نیز مطرح میگردد که از حیطة قدرت يك روستاشناس بدور است . مطلب اینجاست که در این مورد تا کنون هیچ روستاشناسی قدم باین دهکده نگذاشته است بنا بر این شناسائی میمند عیبی از هر جهت از صفر آغاز گردد و در این ناشناختگی و گمنامی علاوه بر مهاجوریت میمند نسبت به شهر و بخش و جاده‌های اطراف ، عدم توجه دستگاه‌های مسئول نسبت به روستاها و آثار با ارزش تاریخی مملکت نقش بزرگی را ایفا مینماید .

این غیر ممکنست که بوسیله کلام ، تصویر و یا اندازه گیری‌ها، تصویری دقیق از تأثیر عظیمی که مجموعه مسکن میمند روی انسان ناظر باقی میگذارد در اذهان ایجاد نمائیم . این تأثیر بزرگ از جهت احساسی که در فضاهای داخلی (تصویر ۲۵) دست میدهد چندان زیاد نیست چه در اینجا فضا کاملاً کنترل و محدود شده است بلکه این مجموعه بیشتر از نظر دید کلی جالب و مؤثر است . (تصاویر ۷ تا ۹) . زیبایی معماری و حجاری در میمند تنها بر اثر سادگی سخت اعضای آن از نظر جزئیات نیست بلکه نیروی اسرار آمیز تمامی مجموعه است که قدرت هنری انسان‌های ساده را خصوصاً صیقلگهان و شامگهان بازگو می کند .

غروب میمند از زیباترین غروب‌هاست که دست بشر در بوجود آوردنش

تأثیر زیادتری داشته است. در این هنگام روز اگر از آن برآمدگی معروف که بآن بدنه سوسمار نام می‌دهیم (تصاویر ۸ و ۹) بروستا نگاهی بیفکنند بنظر میرسد که همه فضاها در مجموعه کلی ذوب شده یک جهان سحر آمیز و غیر حقیقی بوجود آمده است ولی افسوس که چنین جهان سحر انگیزی بکلی ناشناخته باقی مانده است.^۳

۳- تا آنجا که من اطلاع دارم در سال ۱۸۱۰ میلادی یک سیاح انگلیسی بنام پوتینگر هنگام گذر از کرمان به فارس میمند را بازدید کرده و چند سطری از سفرنامه خود را وقف خانه‌هایی ساخته است که در داخل کوه کنده شده‌اند.

در حدود سال ۱۳۲۸ شمسی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران رساله لیسانسی در باره میمند بوسیله آقای حسن میمندی تنظیم گردیده است که با وجود کوشش فراوان موفق به ملاحظه آن نگردیدم.

قبل از سال ۱۳۴۴ مهندس ا- اصفهانی و در همین سال ابتداء علی اکبر سرفراز و سپس دکتر عزت‌الله نگهبان هر یک نیم روزی را صرف بازدید روستای میمند نموده‌اند در این میان علی اکبر سرفراز نتیجه مطالعاتش را در یک مقاله دو صفحه‌ای با دو عکس تحت عنوان «میمند شهر ساسانی» در شماره اول مجله باستانشناسی و هنر ایران سال ۱۳۴۷ منتشر نموده است. همین مقاله در یادنامه پنجمین کنگره باستانشناسی و تاریخ هنر ایران نیز بچاپ رسیده است.

در سال ۱۳۴۵ ایرج افشار و دکتر مشوچهر ستوده طی مسافرتی بجنوب ایران از میمند بازدید نمودند ایرج افشار مشاهدات خود را طی مقاله‌ای تحت عنوان «گشتی در خاک یزد» در مجله نیما آذر ۱۳۴۶ بچاپ رسانید که در آن درباره میمند نیز چند سطری سخن گفته است.

دکتر باستانی پاریزی در پاورقی صفحه ۲۸۸ کتاب پیغمبر دزدان و همچنین کتاب تاریخ کرمان چنین آورده است «میمند از دهات معروف و قدیمی شهر بایک است تمام اطرافهای این ده در دامنه کوهی کنده شده و خانه‌ها در دل سنگ است و هر کوجه که در دل کوه می‌رود سه یا چهار اطاق دارد و مجموعاً قریب سیصد کوجه در دل سنگ فرو برده‌اند و بهمین سبب خانه‌ها دودکش و بخاری ندارد و بدون منفذ است و از جهت تاریخی واقعاً از آثار اولیه تمدن بشری محسوب میشود. در واقع آسمان خراش موربی است که هزاران سال است در دل

در نوروز ۱۳۵۰ طی يك مسافرت نیمه تحقیقاتی تقریباً ۶۰۰۰ کیلومتری در معیت ۳۷ نفر از دانشجویان دانشکده هنرهای زیبا يك بررسی نیم روزه از میمند نمودم. نخستین بار بود که روستای میمند مورد بازدید يك گروه دانشجویی قرار میگرفت و این پیش آمد برای مردم این دهستان بسیار هیجان انگیز بود. همین بازدید منشاء طرح تحقیقاتی میمند شد.

در گزارشی که پس از این مسافرت تسلیم مقامات دانشگاهی نمودم ارزش و شایستگی این دهکده را برای انجام يك بررسی وسیع اثبات کردم و طرحی را برای تحقیق درباره آن پیشنهاد نمودم خوشبختانه طرح با کمک دکتر جواد میمندی نژاد (سرپرست وقت دانشجویی دانشگاه) و حسن نظر دکتر

سنگ کنده شده است. اطافها بخاری ندارد راه عبور محدود است و دواب و انسان تا حدودی زندگی مشترکی دارند. این آبادی، البته غیر از میمند معروف فارس است از نمونه میمند در حدود بامیان بلخ میتوان یافت هم از نمونه این شهرها باید شمرد شهر پیترا را که در کوه کنده شده بوده است» (ص ۲۸۸ پیغمبر دزدان)

«وضع آبادی میمند (نزدیک شهر بابک) و اطافهای آن که تماماً در سینه کوه و در دل سنگ کنده شده و طبقه طبقه روی هم قرار دارد حکایت از این میکند که این قریه قرنهای قبل از ساسانیان و شاید قبل از تاریخ بوجود آمده باشد» ص ۲۹ تاریخ کرمان در سال ۱۹۷۱ خانم میلی باو کتانی تحت عنوان «ایران همانطوریکه واقماً وجود دارد» بزبان آلمانی تحریر کرده اند که صفحه ۲۰۳ آن اطلاعاتی نیمه صحیح درباره وضع عمومی میمند در اختیار خواننده قرار میدهد. منبع مورد استفاده خانم میلی باوروزنامه کیهان انترنشنال بوده است.

مراجعه شود به منابع زیر:

1-Alfons Gabriel, Die Erforschung Persiens, Wien 1952 S.137

۲ - مجله باستانشناسی و هنر ایران شماره اول سال ۱۳۴۷

۳ - یادنامه پنجمین کنفرانس بین المللی باستانشناسی و هنر ایران. تهران ۱۳۵۱

۴ - مجله یغما آذر ۱۳۴۶

۵ - تاریخ کرمان به تصحیح محمد ابراهیم باستانی پاریزی

۶ - پیغمبر دزدان محیط اجتماعی و آثار او به تصحیح باستانی پاریزی

7- Milli Bau, Iran Wie er wirklich ist, München, 1971

شمس‌الدین مفیدی معاون پژوهشی دانشگاه مورد تصویب قرار گرفت و بدینگونه مطالعات ما آغاز گردید .

اولین بررسی ما در دو دوره انجام شد. دوره اول شامل اقامت ده روزه در میمند و مطالعه و جمع آوری مدارك و مواد خام اولیه از ۲ تا ۱۲ آذرماه ۱۳۵۰ بود .

دوره دوم شامل پروراندن مواد خام اولیه و مدارك بصورت علمی آن بود که فقط چهارماه و نیم وقت صرف آن شد و حداکثر سرعت لازم در به انجام رساندن يك طرح تحقیقاتی به عمل آمد .

نتایج اولین بررسی ما که بیشتر شناخت فیزیکی روستای میمند و ارتباطات هنری و معماری آن بود در يك نمایشگاه و رساله منعکس گردید در يك سخنرانی که بمناسبت ششمین کنگره بین المللی باستانشناسی و تاریخ هنر ایران در تاریخ ۲۱ شهریور ۱۳۵۱ (بزبان آلمانی) در آکسفورد ایراد نمودم کلیه نتایج این تحقیق را بازگو کردم و در آنجا سعی شد به وضع اقتصادی میمند نیز اشاره ای گردد ولی این فقط يك بررسی اولیه است و برای شناخت روستای میمند هنوز مراحل اصلی و مهم تری باقیست .

در اینجا باید خاطر نشان کنم که تا کنون تحقیق درباره هنر و معماری این آب و خاک اغلب جنبه یکطرفه داشته است یعنی فقط آثار باقیمانده بزرگ بررسی میشده است و کمتر از زندگی مردم عادی و آثار هنری آنان صحبت بمیان میآمده است برای این مطلب دودلیل مهم میتوان ذکر کرد ابتدا اینکه متخصصین اروپائی که اغلب آثار تاریخی ما بوسیله آنها کشف و تحقیق شده است بیشتر توجهشان بآثار باقیمانده بزرگ بوده و کمتر به زندگی و هنر مردم پرداخته اند در این میان محققین ایرانی ما که در این رشته ها تعدادشان از انگلستان يك دست تجاوز نمی نماید نیز توجهی به هنر و معماری مردم عادی ننکرده و دنباله کار غربیان را گرفته اند .

اما دلیل دوم، از آنجا که آثار هنری و بخصوص معماری مردم عادی از مصالحی کم دوام بوده است یعنی اغلب مساکن را از خشت و گل میساخته اند پایداری و استقامت بناها کمتر بوده و در اثر مرور زمان این آثار محو و نابود گشته است بدین مناسبت کمتر اثری در دسترس باقی مانده تا مورد توجه محققین قرار گیرد.

تحقیق در باره روستای باستانی میمند اولین پژوهش علمی دقیق در باره هنر و معماری مردم عادی این آب و خاک بشمار میآید. در اینجا موقناً قسمتی از طرحها منتشر میگردد تا بعدها در باره آنها مفصلاً بحث شود (تصاویر ۱۰ تا ۲۲). میمند در ۳۶ کیلومتری شمال شرقی شهر بابک در استان کرمان واقع است شهر بابک سر جاده نزدیک تر تهران - بندرعباس قرار دارد. از سمت راست جاده یزد - کرمان و در حدود ۱۵۲ کیلومتری آن، جاده ای منشعب میگردد که پس از طی ۱۱۴ کیلومتر به شهر بابک میرسد.

در شمال شهر بابک رشته جبال است که دنباله کوههای مرکزی ایران و ادامه شیر کوه یزد است و به کوههای سرچشمه کرمان منتهی میگردد این کوهستان که در حدود ۱۲۰ کیلومتر طول و به تفاوت بین ۳۰ تا ۴ کیلومتر عرض دارد دارای چشمه سارها و نهرهای کوچکی است که اغلب از مغرب به مشرق در طول دهستانهای متعدد مانند دهج - جوزم - مدوار - آبدر - راویز - میمند و یا قلعه جاری است. در جنوب این کوهستان دهستانهای هرات - مردست - خیر - رباط و ده اشتران قرار دارد. بخش شهر بابک در حدود ۷۰۰۰ جمعیت دارد و مردم این نواحی در عین داشتن هوش و ذوق (این مطلب از قالیهای دست بسافت آنان هویدا است) از هر جهت عقب افتاده و بی بضاعت هستند.

از شهر بابک پس از طی ۱۰۴ کیلومتر به سیرجان میرسیم که در امتداد جاده اسفالتی کرمان - بندرعباس قرار دارد. از سمت چپ جاده شهر بابک -

سیرجان پس از طی چندین کیلومتر راهی بطرف میمند منشعب میگردد که بسیار ناهموار است و فقط بوسیله جیب و نظایر آن میتوان از آن عبور نمود این جاده ناهموار در حدود ۱۵ سال پیش بوسیله خود اهالی میمند ساخته شد و میتوان گفت بدین وسیله تماسی از اعماق استوانه تاریخ به جهان خارج حاصل گشت. يك شاخه از همین راه قبل از رسیدن به میمند بسمت راست جدا میگردد و پس از طی حدود ۱۰۰ کیلومتر به رفسنجان منتهی میشود. در شمال شرقی شهر بابک منطقه‌ئی کوهستانی بطول و عرض تقریبی تقریبی ۲۵ در ۱۲ کیلومتر و ارتفاعی در حدود ۲۰۰۰ متر از سطح دریا قرار دارد که در دامنه‌های آن چشمه سارها و قراه کوچکی است میمند میسان شهر بابک و رفسنجان در یکی از دره‌های بن بست و شمالی - جنوبی این کوهستان واقع شده است. میمند بمناسبت کوهستانی بودنش دارای آب و هوای ملایم است کوههای اطراف (تصویر ۲۳)، دهستان را از جریان هوای سرد محفوظ میدارد در زمان های پیشین اطراف میمند را چشمه سارها و چراگاههای بسیار مستعد فرا گرفته بود که موجبات معیشت اهالی را بخوبی فراهم آورده و هوای گرم تابستان را مطبوع میساخت ولی متأسفانه از چندین سال پیش در اثر کمبود باران اهالی این دهکده در مضیقه شدید کمبود آب قرار گرفته اند، مردمی که دهکده میمند را بوجود آوردند از همان آغاز امر چندین قنات حفر کردند که از تمامی آنها فعلاً يك قنات باقی مانده است. (تصویر ۲۴) که آنهم با آب بسیار قلیل خود کفاف معیشت حدود یک هزار و چهارصد نفر ساکنین آنرا نمیدهد. مردم میمند بدلیل موقعیت طبیعی دهستان در آنرا باقی مانده و کمتر دستخوش تغییر و تحول شده اند و با اقوام مهاجم مختلط و ممزوج نگردیده اند. این موضوع از چهره میمندها که اغلب دارای موهای بور و چشم های زاغ هستند هویداست. از اسامی دهات اطراف میمند چون پوراز - نوشاد - تی جنگ - للان - مر جنگ مشخص

است که کمتر اسامی عربی در زبان آنها وارد گردیده است میمندیها به عید نوروز بیشتر از عیاد مذهبی اهمیت میدهند و هنوز آتش و آب و زراعت را بسیار مهم می شناسند و اغلب با آتش سو گند میخورند و در عرف محل ارثیه پدر فقط به فرزندان ذکور تعلق میگیرد و تذکر این مطلب جالب است که برخلاف کلیه دهات ایران که معمولاً خانواده های سید فراوان دارند در میمند سید وجود ندارد. در هر حال میمندیها مردمی اصیل و دست نخورده هستند.

زمینهای اطراف میمند فعلاً کمتر قابل کشت است و ذرع مهم نهال آنها نیز درخت بنه است که اغلب در حدود ۳۰۰ الی ۴۰۰ سال عمر دارد و دارای چوب بسیار سختی است. میمندیها بمناسبت موقعیت جغرافیائیشان نمیتوانند از بهره کشی از خاک که اساس اقتصاد را تشکیل میدهد استفاده کامل بنمایند بنابراین اقتصاد محدود آنها بر اساس دو عنصر مهم از چهار عنصر اصلی اقتصاد روستائی (کشاورزی - دامداری - باغداری - صنایع دستی) قرار گرفته است که عبارت باشد از دامداری و قالی بافی.

رکن اساسی اقتصاد میمند بر روی دامداری استوار است که بسیار پرسودتر از کشاورزی است دام برای خانواده میمندی عامل اصلی تولید کننده مواد غذایی مانند گوشت، کره، پنیر، شیر و ماست است. پرورش دام در میمند تا سال ۱۳۴۷ متضمن مخارج زیادی نبوده است زیرا منبع اصلی تغذیه دامها یعنی مراتع سبز در زمینهای کوههای اطراف گسترده بوده است. و اینطور که خود اهالی اظهار میداشتند تا سال ۱۳۴۷ در حدود یکصد هزار دام در آنجا وجود داشته که بمناسبت فقدان باران در چند سال اخیر این عده به حدود ده هزار رسیده است (در این اعداد تا اندازه ای مبالغه شده است) و هم اکنون مردم ده تعداد زیادی از دامهای خود را در کنار خود نگاهداری و تغذیه مینمایند.

در روستای میمند این مطلب علمی کاملاً اثبات میگردد که در روستاها

هر نوع صنعت دستی تحت شرایط محیط جغرافیائی و طبیعی و اقتصادی آنان پرورش و تکامل مییابد. همین دامداری است که مواد اولیه صنعت قالی بافی را در اختیار اهالی میمند قرار میدهد یعنی در حقیقت اقتصاد بسته روستای میمند سبب شده است که اهالی از مواد اولیه ننی که در آن محیط جغرافیائی وجود دارد استفاده کنند و احتیاجاتشان را خود بر آورند و در جهت رفع کمبودهای زندگی روزمره و اشیاء مصرفی گامهای مؤثری بردارند و شیوه تولیدشان را تکامل بخشند و فرآوردههای هنردستی خود را بفروش رسانند. بافتن قالیچه یکی از صنایع و هنرهای مرسوم و دیرین اهالی میمند است و ادامه آن حاکی از سابقه بزرگ امر دامداری سنتی ایشان است. بافت قالیچه و بقول خود اهالی «قالی» شاید در حدود چهار درصد منبع درآمد آنها را تشکیل میدهد و این با مقایسه با دیگر روستاها درصد بسیار بزرگی است و روحیه صنعتی و هنری اهالی میمند را نشان میدهد (تصویر ۲۵).

درخانه اغلب اهالی میمند دستگاه قالی بافی موجود است و زنان و دختران میمندی تقریباً نیمی از سال را با بافتن قالیچه سرگرمند زیرا نیمی دیگر از سال را به بیلاق میروند. این سنت از زمانهای قدیم برای آنان باقی مانده است که تابستان و قسمتی از بهار و پائیز را در چشمه سارها و مراتع اطراف گردآیند و هنگام زمستان به ده مراجعت نمایند در تابستانها فقط در حدود یکصد نفر در ده باقی میمانند.

میمندیها تمامی فرآوردههای قالیچهای خود را به بازار گانان شهر بابک میفروشند.

قالیچههای میمند بخاطر طرحهای جالبشان مستقیماً بخارج از کشور صادر میگردد این تجارت اگرچه زندگی اهالی را تا اندازه ای تأمین میکند ولی از طرف دیگر خطر عدم حفظ فرمها و از بین رفتن طرحهای اصیل این صنعت سنتی را تهدید نموده و نکته ایست که باید مورد توجه

مقامات مربوطه قرار گیرد که در عین تجارت و بهره‌برداری، در حفظ اصالت نمونه‌ها و طرح‌های میمندی هر چه بیشتر کوشش شود و اگر جز این باشد بتدریج عرضه فراوان میگردد و تقاضاها کاهش می‌یابد.

اهالی دهکده میمند بسبب اقتصاد بسته و بخصوص بخاطر دور افتادگی محل دچار انزوا و حالت انفرادی شده و قرن‌ها یا شاید هزاره‌های تاریخ دراز خود را در ابهام و تاریکی عمیقی فرو برده‌اند. برای مطالعه دقیق روستای میمند باید پرده گرد و غبار زمان را از چهره آن زدود و تاریخ آنرا روشن ساخت هر چند میمند مملو از گذشت زمانها و وقایع است ولی در این مرحله از کار هنوز نمیتوان تاریخ آنجا را بازسازی کرد و ما فقط می‌توانیم مقدماتی برای مطالعات عمیق بعدی فراهم آوریم.

اگر به روستای میمند با فاصله‌ای کمتر از نیم کیلومتر نگاهی بیافکنیم بنظر میرسد که تاریخ را از درون استوانه‌ای عمیق نظاره میکنیم. این استوانه آنقدر هیچجان انگیز است که ما را هر چه حریص تر بدرون خود میخواند و غرق نشنه تاریخمان میگرداند بعبارت دیگر نظر به میمند یعنی نظر به تاریخ و قرن‌ها زندگی مردم عادی بصورت محسوس و لمس شدنی خود. میمند روستائی است که در آن تاریخ ورق نخورده است ولی تاریخی پراز ابهام. میمند روستائیست زنده که مانند اکثریت آثار باستانی ایران زیر خروارها خاک نرفته و از آن تپه‌ها بوجود نیامده است. این دهکده قرن هاست که بحیات فعال خود ادامه میدهد بنابراین باید مدارک کتبی فراوانی را در دسترس بگذارد ولی متأسفانه هیچ مدرکی وجود ندارد که راهنمائی‌ان کند و هر چه بیشتر دنبال چنین شواهدی رفتیم کمتر یافتیم. مسلم اینست تا هنگامیکه در اطراف این دهستان گمانه زنی نشود نخواهیم توانست به تاریخ‌هستی یافتن این روستای بی‌بیریم و روند تکاملی آن را باز یابیم هر مطلبی که فعلاً در باره تاریخ آن اظهار میداریم با قید

احتیاط کامل است احتمالاً بدلایلی که ذکر خواهیم کرد روستای میمند بیشتر تاریخی مینماید تا پیش از تاریخ. معماری میمند نمیتواند پیش از تاریخ باشد. این نظریه که روستای میمند قبل از ورود آریائیها به فلات ایران هستی یافته است نمی تواند درست باشد زیرا در آن صورت میبایست میمند معرف نوعی از روستاهای دوره نئولیتیک (عصر نوین سنگی) باشد که امکان آن بسیار محدود است. همانطوریکه در مقدمه این فصل گفته شد در روستاهای نخستین یعنی مربوط به اواخر دوره مزولیتیک زنها حاکم مطلق بوده و در حقیقت حکومت مادرسالاری برقرار بوده است در روستای میمند هیچ اثری از چنین تسلط نمیتوان یافت بلکه بعکس همه جوانب امر بخصوص طبیعت روستا تسلط کامل مردان و قدرت و نفوذ آنان را در تسلط به طبیعت نمودار میسازد دلیل دیگر آنکه روستای میمند نمی تواند متعلق به دوره پیش از فلز باشد، زیرا بدون وسائل فلزی ساختن این خانهها در دل کوهها ناممکن بود. علاوه بر آن چنانکه بعداً خواهد آمد معماری صخره‌ای روستای میمند میتواند ارتباطی با آئین مهرپرستی داشته باشد و میدانیم که این آئین با آریائیها بفلات ایران آمده است بنابراین باید نتیجه گرفت که معماری صخره‌ای میمند متعلق به زمان آریائیهاست.

البته این احتمال هست که شاید قبل از ورود آریائیها چشمه سارها و دره های اطراف این دهکده که از حیث شکار حیوانات و محصولات طبیعی کاملاً مورد استفاده بوده محل سکونی قومی از مردم بومی فلات ایران بوده است و شاید از حدود ۵ الی ۱۰ هزار سال پیش پناهگاههایی بخاطر موقعیت خاص این دره در این محل بوجود آمده بوده است و بعدها هنگام تسلط آریائیها این پناهگاهها مبدل به خانه های فعلی گردیده است، هر چند این احتمال قابل استدلال جدی نیست.

اگر میمند را ساخته و پرداخته آریائیهای اولیه نیز بدانیم باز هم راه

ناصواب پیموده‌ایم زیرا آنان در اولین مهاجرت‌های خود به کرمان نرسیدند بلکه در آخرین آنها بدانجاراه یافتند میدانیم که آخرین شاخه آریائیه‌ها در حدود اوایل هزاره دوم و اوایل هزاره اول ق. م رهسپار شمال، غرب و جنوب غربی ایران گردیدند و سپس در کرمان سکنی گزیدند. بنابراین موضوع پیش از تاریخ بودن بکلی منتفی است و ما میتوانیم باین نتیجه برسیم که معماری صخره‌ای روستای میمند نمیتواند قبل از حدود ۱۰۰۰ ق. م هستی یافته باشد. اگر معتقد باشیم که این مجموعه کار آریائیه‌هاست پس باید انتظار آنرا داشت که یکی دو قرن سپری شود تا فرهنگ آنان در نواحی مختلف کرمان گسترش یابد. علاوه بر آن کندن چنین مجموعه‌ای خود فرصت بسیار زیاد می‌خواهد. بنابراین میتوانیم گمان کنیم که این مجموعه زودتر از قرون هشتم و هفتم ق. م بوجود نیامده است.

در حال حاضر باید به دو نظریه معتقد بود یا مجموعه میمند در حدود قرون هشتم و هفتم ق. م بوجود آمده است و یا اینکه در اوایل دوره اشکانیان و اوایل دوره ساسانیان در هر حال معماری صخره‌ای روستای میمند هیچگاه زودتر از قرون هشتم و هفتم ق. م و دیرتر از قرن سوم میلادی نمیتواند باشد. درباره نظریه اول میتوان اظهار داشت که:

الف - در قرون هشتم و هفتم ق. م مادها در نواحی غرب ایران آثار معماری صخره‌ای فراوانی را از خود بیادگار گذارده‌اند. شاید تیره دیگر قوم آریا نیز همزمان با مادها در میمند چنین مجموعه بزرگی را بوجود آورده باشند.

کتابخانه مد سه دهه

ب - محتملاً مذهب مهرپرستی در حدود قرون هشتم و هفتم ق. م در حوالی کرمان نضج یافته و شاید در بوجود آوردن معماری صخره‌ای بطور اعم و روستای میمند بطور اخص نقش مهمی را بعهدده داشته است.

درباره نظریه دوم میتوان اظهار داشت که شواهد زیادتری در دست است

و میتوان معتقد شد که احتمالا میمند متعلق به قرون دوم و سوم میلادی است. شواهدی چون قبور و قلعه های اطراف میمند و همچنین کوزه های سفالین بدست آمده که نزد نویسنده است ما را ترغیب مینماید که اوج تمدن میمندی ها را در دوره ساسانیان بدانیم.

ریچارد فرای دانشمند آمریکائی مینویسد در زمان اشکانیان بخش جنوبی کرمان از آن فارس بود و در مشرق و جنوب آن قبیله های مستقلی به هرسو کوچ میکردند.^۴

این قبیله ها که هنوز در زمان اشکانیان کاملا جابجا نگردیده و اسکان نگرفته بودند در اواخر دوره اشکانیان و اوائل دوره ساسانیان نقاط خوش و آب و هوای نواحی کرمان را برای سکونت انتخاب نمودند و هر قبیله ای در محلی استوار شده است بابک پدر اردشیر فرمانروائی چندین قبیله را داشت و در اواخر سلسله اشکانیان در قسمتی از فارس و کرمان حکم میراند.^۵ شهر بابک که هنوز بنام بابک خوانده میشود محتملا بدستور بابک پدر اردشیر یا بدستور خود اردشیر بنا شده است. مسلم آنست که انتساب شهر بابک به اردشیر بابکان یا پدرش بابک شاید بیشتر از آن جهت باشد که بابک و ساسانیان از این منطقه برخاسته اند آثار ساسانی اطراف شهر بابک گواه بر این امر است.

کتابخانه مدرسه لاهیجان

در هر صورت منطقه کرمان در دوره ساسانیان در اوج آبادی و فراوانی خود بوده و بقول سعید نفیسی سرزمین کرمان در زمان ساسانیان ۱۸۰ در ۱۷۰ فرسنگ بوده و خراج سالیانه آن ۶۰ میلیون درهم بوده است.^۶

۴- مراجعه شود به: ج. ۱. آذربری میراث ایران تهران ۱۳۳۶ ص ۳۰۵

۵- مراجعه شود به: ه. ماسه تمدن ایرانی ترجمه دکتر عیسی بهنام تهران ۱۳۴۶

ص ۱۷۴ و ۱۷۵

۶- مراجعه شود به: سعید نفیسی تاریخ تمدن ایران ساسانی تهران ۱۳۳۱ ص ۳۰۶

بنابراین باید تا حدودی معتقد شد که احتمالاً یکی از همان قبایل کوچ- نشین زمان اشکانیان در میمند سکنی گزیده‌اند.
از دوره ساسانیان تا حمله اعراب از میمند عجالتاً اطلاع کتبی در دست نیست.

کرمان هنگام گریز یزدگرد مورد تاخت و تاز اعراب قرار گرفت و گویا کرمان در طی قرون مختلف حکومت اسلامی یکی از نقاطی بوده است که بیشتر از نقاط دیگر ایران مورد تاخت و تاز و قتل و غارت اقوام مختلف واقع گشته است. میمند چون از نظر دفاعی مانند قلعه‌های مستحکم است قبایل متعدد شکست خورده جنگهای کرمان اغلب باین ناحیه پناه می‌آوردند از ظواهر امر پیداست که این روستا خود نیز از قتل و غارت قبایل مختلف بی نصیب نمانده و بارها با آتش کشیده شده است (چنانکه از نمای داخلی بعضی از خانه‌ها هویداست).

در کتب تاریخی - جغرافیایی ایران از میمند بدلائیل خاص انزوای طبیعی اش بندرت نامی برده شده است در تواریخ کرمان نیز فقط در چند محل از میمند نام برده میشود^۷

۷- ذیلا آنچه در کتاب تاریخ کرمان بقلم احمدخان وزیری کرمانی و تصحیح دکتر باستانی پاریزی راجع به میمند با استفاده از کتابهای تاریخی - جغرافیایی قدیمی آورده شده است نقل خواهد گردید.

از قول معجم البلدان «پس از آنکه ابن عامر حکومت فارس یافت مجاشع بن مسعود سلمی را در تعقیب یزدگرد بکرمان فرستاد. لشکر ابن مجاشع در میمند دچار شکست شده ولی پس از آمدن کمک ابن عامر موفق به فتح سیرجان شده است» ص ۲۹

در حدود ۱۳ هجری حکمرانی میمند را شخصی بنام عیسی از خانواده خدیج کرمانی به عهده داشته است.

در سنه ۷۴۱ هجری حکومت آل مظفر در کرمان مستقر شد و در سال ۷۴۳ میمند و حوالی آن نیز تحت حکومت امیر مبارزالدین محمد مظفر درآمد.

قبل از فتح امیر مبارزالدین مظفر، میمند و حوالی کوهستانی آن در دست اعراب بود -

→

همینکه امیر مبارزالدین مظفریم و نرماشیر را فتح کرد بسوی رفسنجان راند .
 « اعراب رفسنجان و افار را تخلیه کرده عیال و اموال خود را بکوهستان داویز و
 میمند که میانه شهر بابک و رفسنجان است بردند » (ص ۱۸۴) امیر مبارزالدین میمند و حوالی
 آنرا از دست اعراب بیرون آورد و بزرگ آنان که حسن فولاد نام داشت کشته میشود
 بقایای لشکریان حسن فولاد به سمت هرات فرار مینمایند . امیر مبارزالدین دستور میدهد
 « که تا زنان و کودکان را درها نمایند تا بصوب فارس که وطن اصلی آنها بود بروند » ص ۱۸۴
 در سال ۸۴۸ هجری عبدالرزاق نامی که از کرمان میگذاشته است مینویسد « به قلعه
 ترزک و از آنجا به راه میمند و فرغان » ... روان شدم . ص ۴۷۴

در دوره گورکانیان کرمان تحت حکومت ابوسعید بهادر بود تا اینکه ابوسعید مغلوب
 حسن بیگ از طایفه آق قویونلو گردید (۸۷۳ هجری) و حسن بیگ زینل بیگ پسر خود را
 به حکمرانی کرمان فرستاد . زینل بیگ در سال ۸۷۴ «سلطان حسین میرزا را بطرف میمند
 و فاریاب گریزند و بدادالحکومه معاودت کرده» (ص ۲۵۸) در دوره صفویه زمان حکومت
 گنجعلیخان دوره رفاه و امنیت کرمان بود ولی بعدها در سال ۱۱۳۳ محمود افغان به کرمان
 میتازد . بر حسب دستور پادشاه وقت لطفعلیخان یکی از سرداران خود بنام محمدقلی بیگ
 قزوینی را با سپاهیا فاش به کرمان فرستاد وی از کفه نمک مابین فارس و کرمان « عبور
 نموده وارد خیر آباد نمک که اول دهات میمند و سیرجان است گردید... » (ص ۲۹۶) ولی بعداً
 از محمود شکست یافت .

محمود به قندهار عزیمت کرد ولی در سال بعد مجدداً به کرمان آمده و آنجا را محاصره
 کرد سپس « از راه میمند و سیرجان متوجه اصفهان گردید » . ص ۲۹۷
 پس از اینکه محمود افغان اصفهان را تصرف میکند و حکومت صفویه متلاشی میگردد
 یکی از بازماندگان صفویه بنام سید احمدخان در کرمان قیام میکنند و سکه بنام خود میزنند
 و یاغی میشود در سنه ۱۱۳۸ و لیمحمدخان والی کرمان « با اتفاق میرا میر بیگ طاهری و خواجه
 حکیم بیگ دولت آبادی و سرکردگان براه کوه و سیرجان و شهر بابک و سالار عسکر بلوک اقطاع
 و اسمعیل بیگ رادری و میرزا ابوالحسن بمی و خاندانقلی بیگ کرمانی و سایر سرکردگان
 جمعیت نموده در شمالی شهر میمند با سید احمدخان صف مصاف آراستند ... » (ص ۳۰۰)

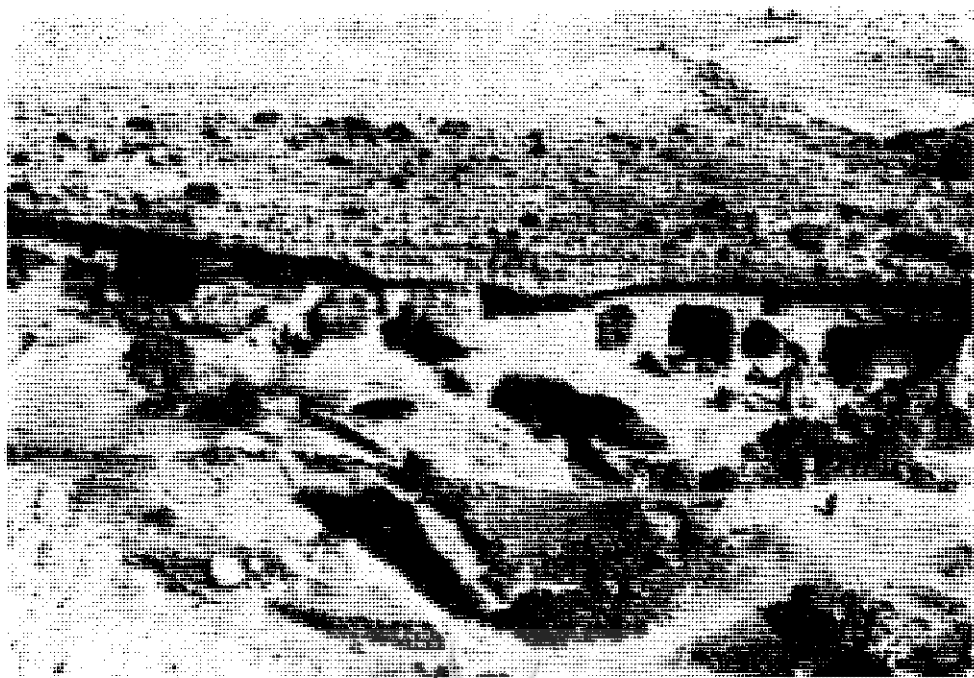
در زمان نادرشاه افشار تمام سربازان منطقه شهر بابک تحت فرماندهی یک نفر از
 اهالی میمند بنام محمود قرار گرفت وی جزء سپاهیان نادر بود که بعلت تدبیر و لیاقتی که در
 گشودن یکی از قلاع کوهستانی بخرج داد حکومت شهر بابک بوی تفویض گردید این
 حکومت تا دوره قاجاریه نیز ادامه داشته است .



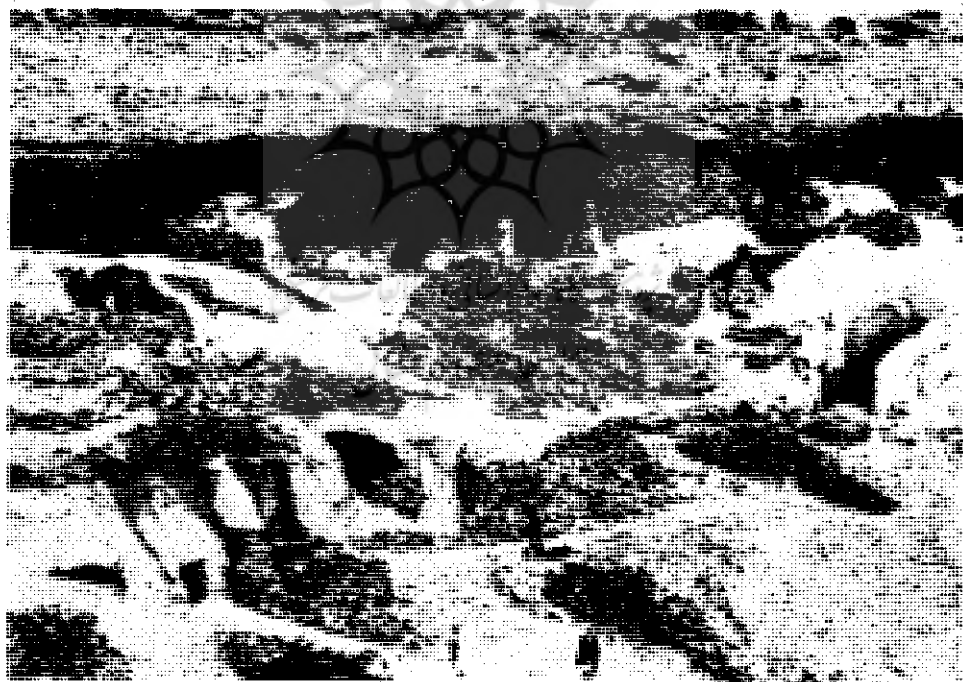
تصویر ۱- دورنمایی از روستای میمند



تصویر ۲- دورنمایی از شمال میمند



تصویر ۳ - صخره‌هایی که کمتر استقامت دارند



تصویر ۴ - زوال‌های سنگ چین



تصویر ۵- کلبه های نازه ساز



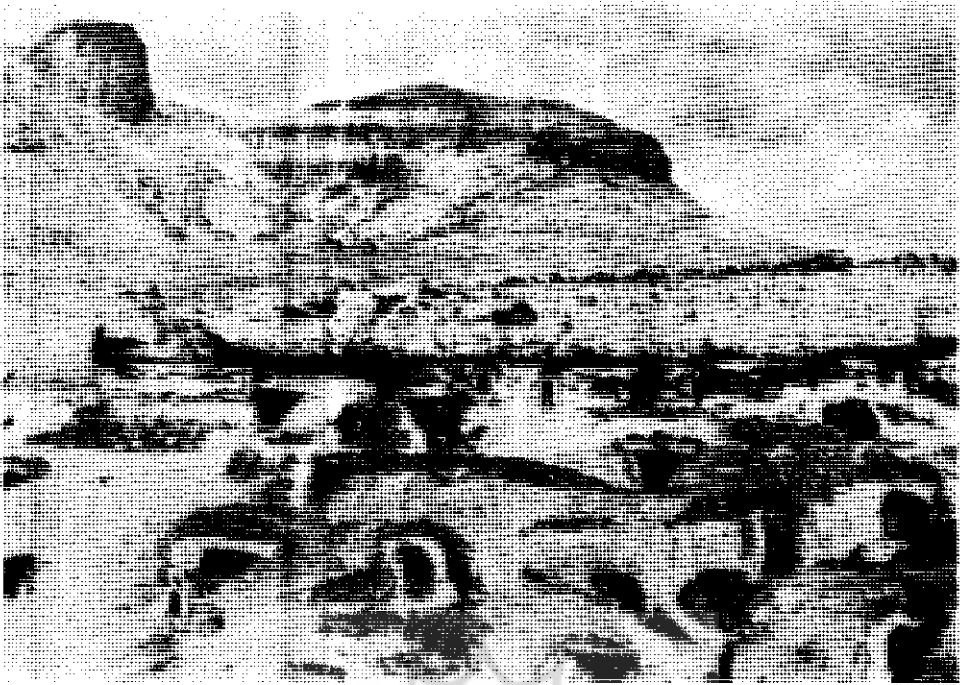
تصویر ۶- رودخانه و حمام جدیدالاحداث



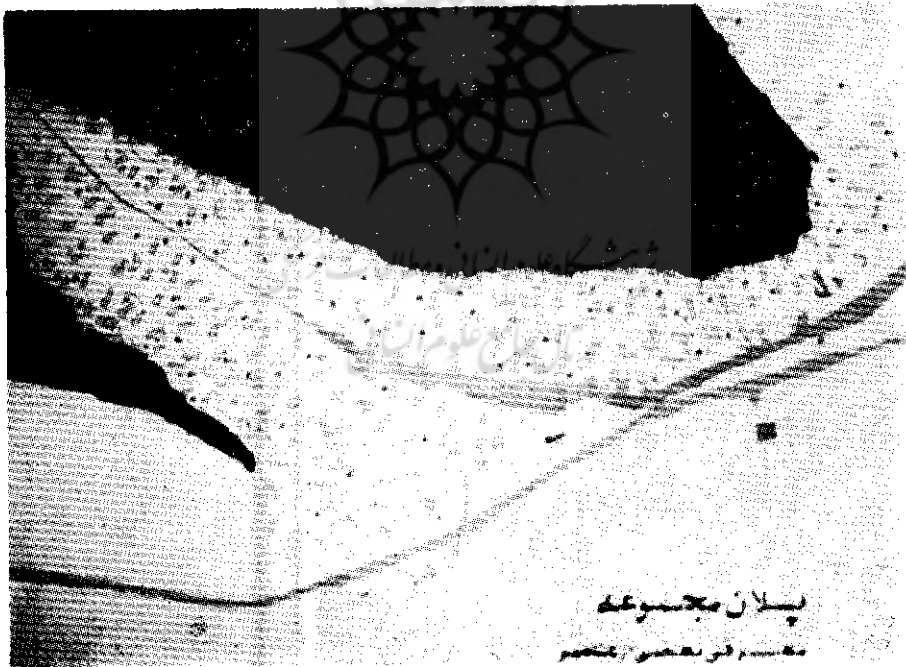
تصویر ۷- دیدگلی از شرق به غرب



تصویر ۸- برآمدگی صخره‌ای که بدان بدنه سوسمار نام نهادیم



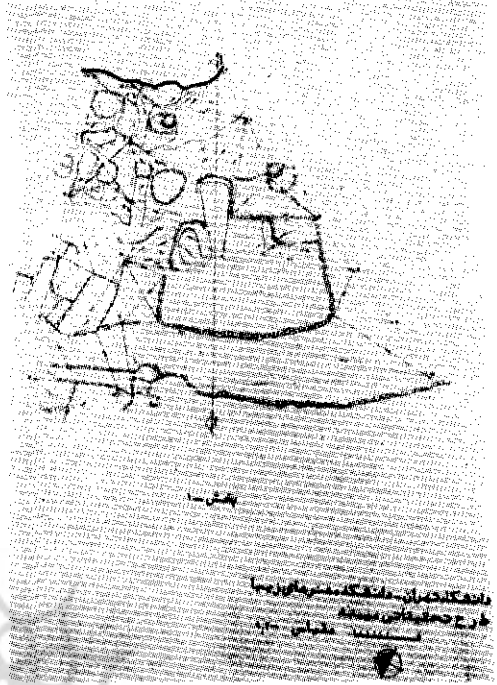
تصویر ۹- رابطه بدنه سوسمار با کوههای اطراف



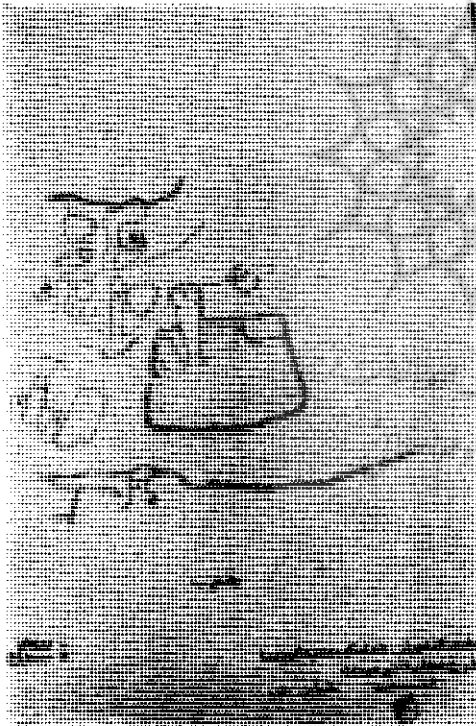
پسلان مجلسونک

مکسیر قری به صحرای کوهسار

تصویر ۱۰- نقشه مجموعه

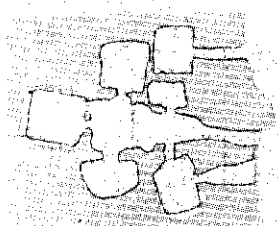


تصویر ۱۱- نقشه بخش ۱



تصویر ۱۲- نقشه بخش ۱

تصویر ۱۴ - نقشه وسه برش از مدرسه صخره‌ای

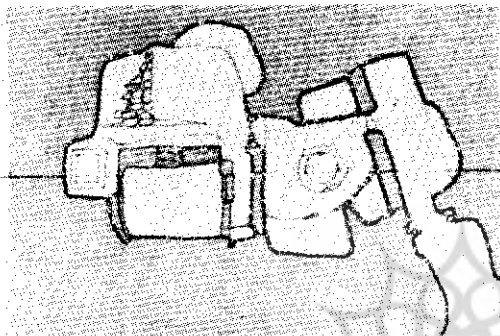


پلان

تصویر ۱۵ - نقشه رده برش از حمام صخره‌ای



برش طولی



پلان



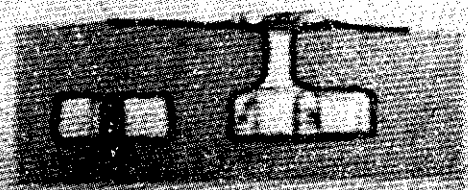
برش عرضی



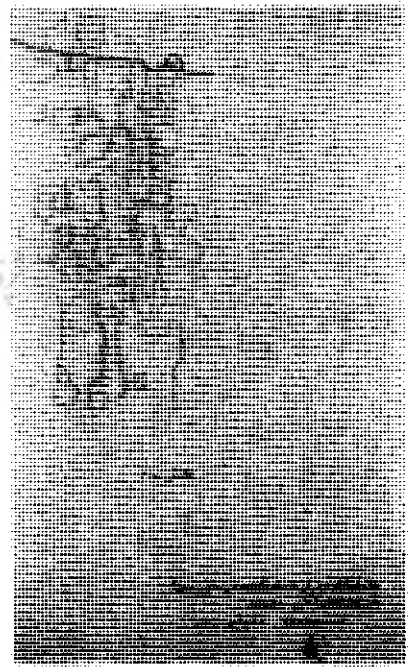
برش عرضی



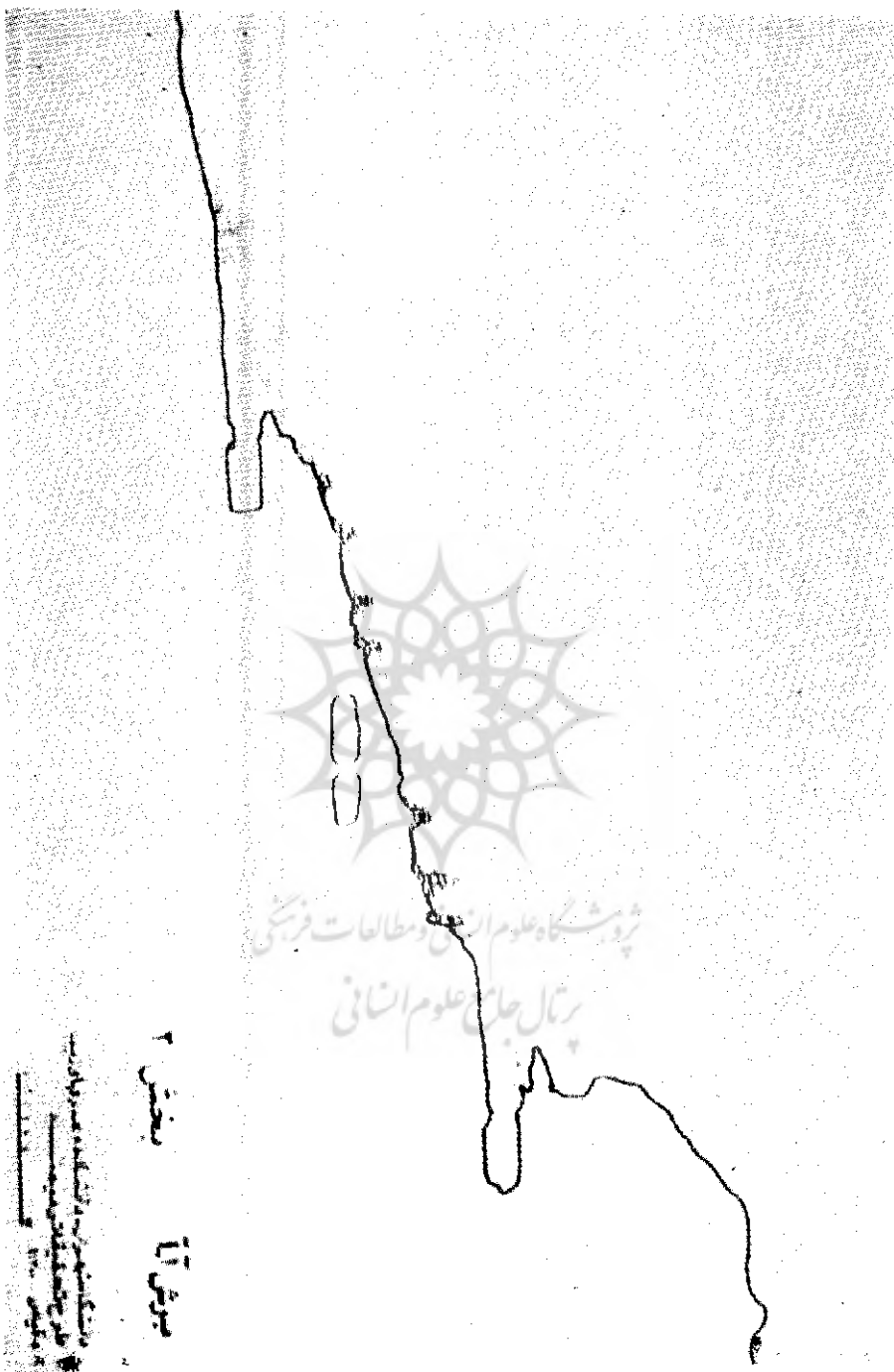
برش طولی



برش عرضی



تصویر ۱۶ - نقشه بخش ۲

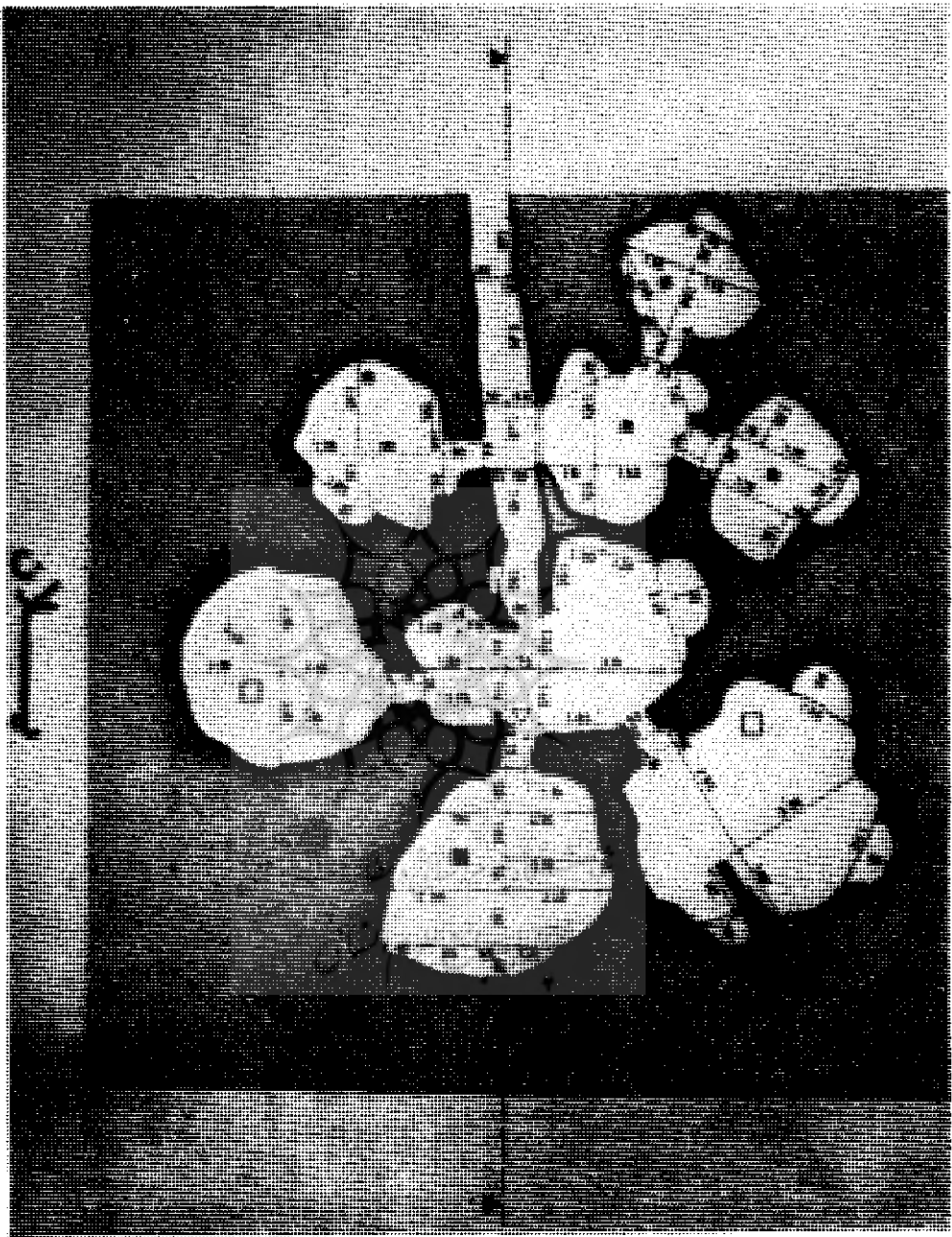


پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مرکز ملی جغرافیای انسانی

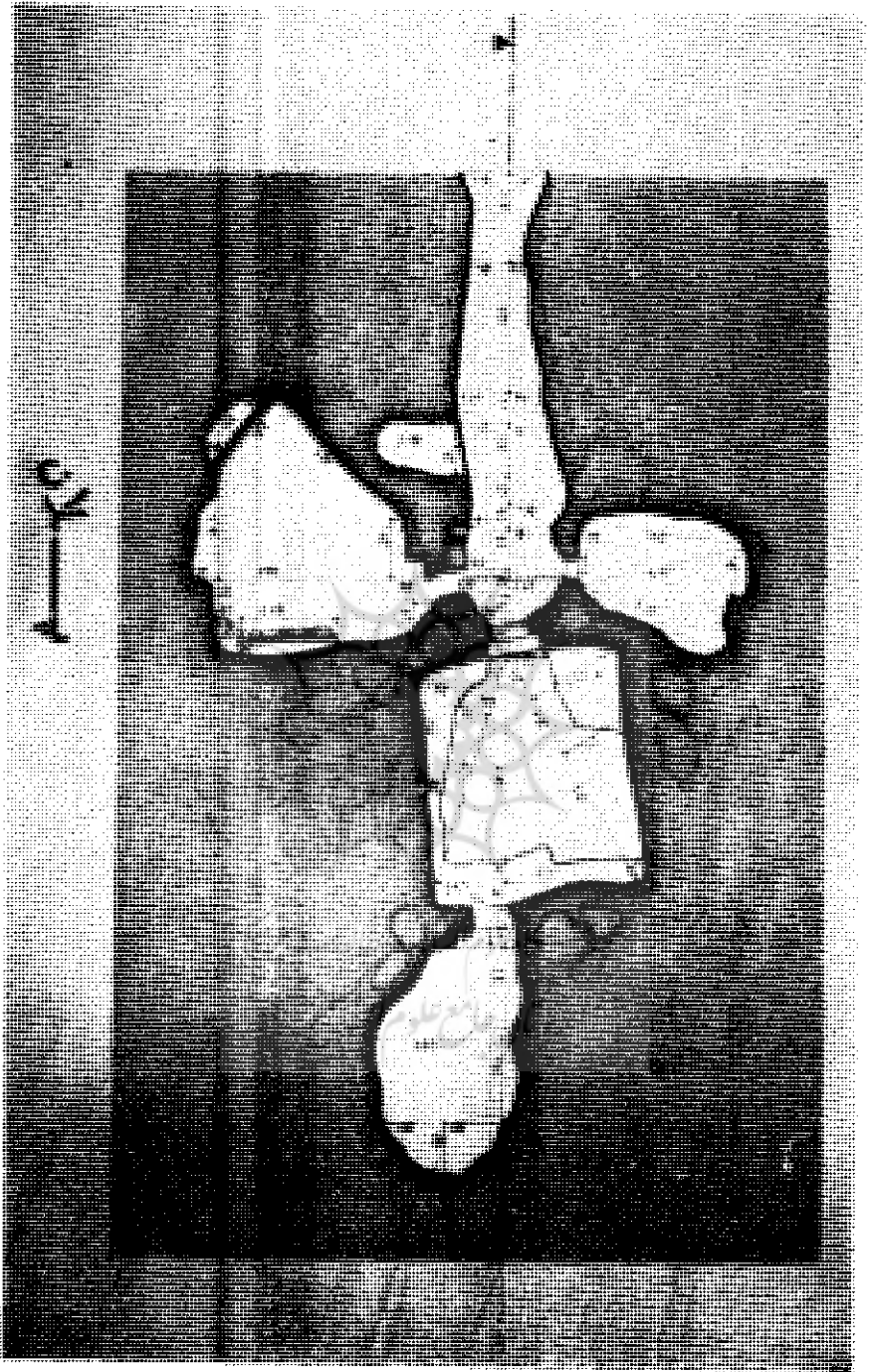
بوشهر
بخش ۲

مستطابق نقشه ۱:۱۰۰۰۰۰
تاریخ تصدیق: ۱۳۸۵/۰۵/۰۱
مقیاس: ۱:۱۰۰۰۰۰

تصویر ۸۷- بوشهر: آسا از بخش ۲

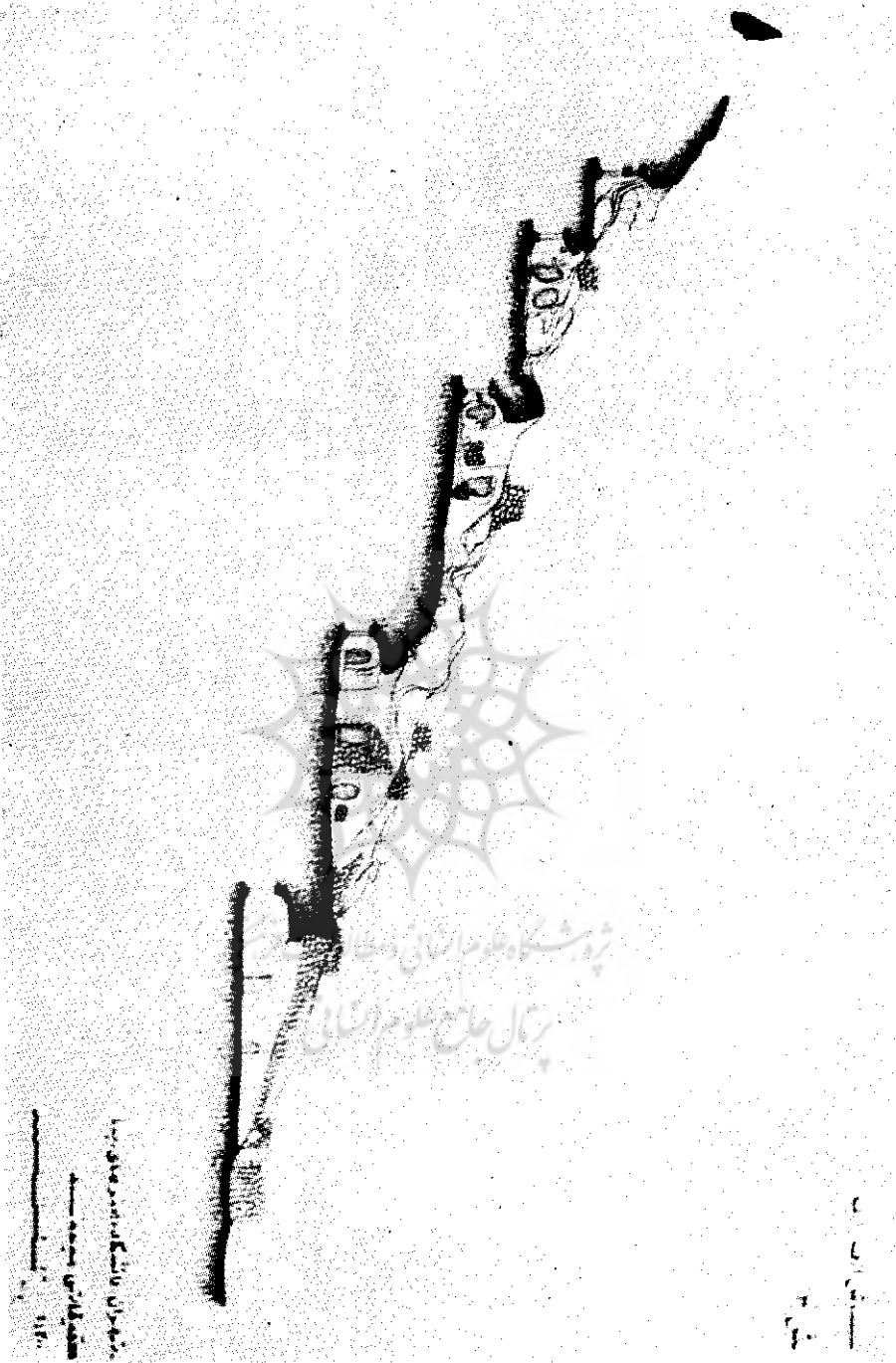


تصویر ۱۸- نقشه خانه شماره ۲ از بخش ۲



تصویر ۱۹ - نقشه خانه شماره ۴ از بخش ۲

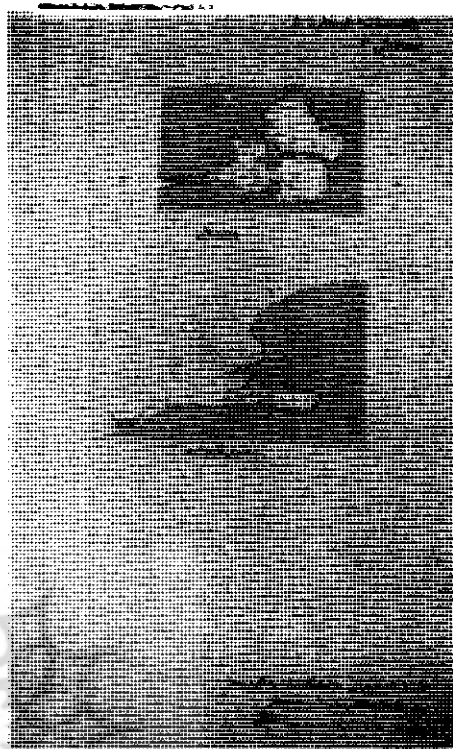
تصویر ۲۰- برش آلف از بخش ۳



پژوهشگاه دانش‌های پایه
پرتال جامع علوم انسانی

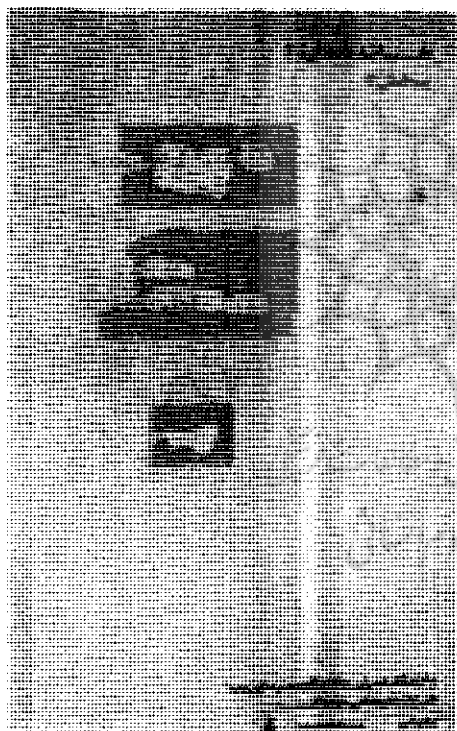
دکتر سحران دانشگاد و دکتر علی زینب
محققان ارشد زمینشناسی
۱۳۸۰

دکتر سحران دانشگاد
۱۳۸۰



تصویر ۲۱-

نقشه و برش خانه شماره ۵ از بخش ۲



تصویر ۲۲-

نقشه و دو برش از خانه شماره ۲ بخش ۳

تصویر ۳۳- مسجد در رابطه با کوههای اطراف





تصویر ۲۴- یگانه قنات مورد استفاده ممیند



تصویر ۲۵- دختران میمندی در حال بافتن فالپچه



پښتونستان د علومو او مطالعات فریښی
پرتال جامع علوم انسانی



پښتونستان د علومو او مطالعات فریښی

پرتال جامع علوم انسانی